



۲۰۱۳/۰۶/۱۲

عبدالحكيم سامع

عوامفريبي ايراني با شاخ و دم نو!

«شوينزم» جنون آميز «ايراني» درين عصر، تحت رهبري «احمدی نژاد»، گفته می شود «هشت» سال است که در «مقام» ریاست جمهوری ایران قرار دارد، توأم با مسلک عوامفريبي آن شاخ و دم نو کشیده است. شخصی است متجاوز، حمله ور و در عين حال مبتلا به مرض «نژاد پرستی» و «ناسیونالیزم شيعه از نوع زمان صفوی ها». قبل ازینکه به جهات چند از سیاست ایران در منطقه و جهان، بخصوص در قریب سه و نیم دهه اخیر «حاکمیت آخوند ها» در ایران، مرور نمائیم، به برخورد سطحی و تا حدی «بی ادبانه» این شخص نسبت به مسائل بین المللی و بخصوص به تبلیغات عوامفريبي او در رابطه با افغانستان، نظر کوتاهی مبذول می داریم. او حتی بحیث «مهمان؟ و یا میزبان؟»، از هم سطح خود، در محضر عام سؤال می کند، در حالیکه حتماً فرصت صحبت معمول محرمانه داشته است، تلاش می ورزد، تا خود را با «سواد» نشان دهد، ضمن آنکه «مهارت خوانندگی» خود را تبارز می دهد و با رئیس جمهور افغانستان بدین ترتیب سر صحبت را با فضل فروشی متعفن نوع خاص خودش، چنین آغاز می کند:

«... من در یک گزارشی خوندم صد میلیارد تومن هزینه نیروهای بیگانه در افغانستان» بعد از زبان رئیس جمهور افغانستان کلمه «دلار» شنیده می شود که خودش متوجه شده، جمله خود را چنین تصحیح و توضیح می دارد: «دلار، صد میلیارد دلار»، سؤالی را از جانب مقابل چنین مطرح می سازد «بودجه دولت چقدره؟»، جواب دریافت می دارد، «بیک و نیم»، باز احمدی نژاد می گوید: «دو میلیارد، خوب اگر صد میلیارد را، بیست میلیاردش بدهند به دولت افغانستان، صدوبیست میلیارد، اگر دلسوز اند...» آنچه را که همچنان نمی توان نادیده گرفت اینست، که سؤالات مغرضانه خود را با لحنی از جانب مقابل مطرح نموده است، که گویا نامبرده حق داشته بوده باشد، تا از رئیس جمهور افغانستان، بحیث شخص «زیر دست» خود «سؤال» کند. این تلاش باید هدفمند بخاطر «خورد» ساختن مقام مقابل، صحنه سازی شده بوده باشد. اینست «مشکل» و «هدف» خزنده دولت ایران در برابر افغانستان، که می خواهد، در پهلوی «هجوم فرهنگی»، با چنین «حرکات» حاکمیت افغانستان را بی اعتبار سازد.

بعد ازین صحنه سازی، می خواهد در مقایسه با جهانیان در برابر افغان ها خود را «مهربان» و دوست جلوه دهد. گزارشگر «بی. بی. سی.» و سائر صحبت کنندگان، در مناسبات «ایران» با حکومت «مرکزی» افغانستان درین گزارش، موضوعات «فرعی»، فاقد سویه و کیفیت و حتی دور از واقعیت بیان داشته اند، که درینجا موضوع بحث نیست. فقط وقتی گزارشگر «بی. بی. سی.» مدعی می شود که «ایران با دولت مرکزی افغانستان مشکلی ندارد. اما حامیان آن دشمنش...». خیلی مضحک است. دولت ایران در طول تاریخ، از زمان موجودیت افغانستان، در برابر «همسایه» شرقی آن، یعنی افغانستان، موقف «خصمانه» خود را علنی و سری به پیش برده است. از زمان استعمار در معاملات «غیر نجیبانه» با قدرت های «بزرگ» و وقت، مثال های برجسته، ثبت تاریخ گردیده است. با برخورد کنونی در برابر افغانستان، چنین «گمان» می رود که ممکن، خواهان «تکرار» «حوادث تاریخ» در پس پرده باشند. بدین معنی که نابودی افغانستان را در «سپردن» نقش «مغل» قبل از استعمار انگلیس در منطقه به «پاکستان» و «سپردن» نقش شاهان «صفوی»، دوران قبل از تأسیس «دولت» افغانستان، حتی قبل از قیام «قندهار» تحت رهبری «میرویس نیکه» را، به «ایران آخوند ها»، طرح ریزی نموده باشند. تبلیغات هواداران «ایران» تحت نام «خراسانی ها» و غیره، بر ضد افغانستان، ممکن ازین نوع خواب خیال سرچشمه گرفته باشد.

«نیرو های خارجی» موجود در افغانستان را، «حامیان» افغانستان نام دادن، یک اشتباه بزرگ و یا عوامفريبي آگاهانه است. زیرا این قوا در قلمرو افغانستان، علیه «تروریزم» بخاطر «امنیت» کشور های خودشان می جنگند، عبارت دیگر یک اقدام مستقل و جداگانه «ایالات متحده آمریکا» و این کشور هاست، یعنی به ارتباط «تروریزم» بین المللی است. که ایران خود بحیث یک دولت «لکه های خون ناشی از ترور» را در عرصه بین المللی در دامن خود، نگهداشته است. مردم افغانستان، قربانی اعمال نا شایسته و نا جایز سیاستمداران و قدرتمداران افراطی دوران

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

«بحرانی» گردیده اند. مصارف نظامیان خارجی، به «آقای احمدی نژاد» مربوط نیست، که باچرند گوئی ادامه دهد. این کشور ها، اگر در جهت ایجاد حاکمیت «سیاسی - اداری» در افغانستان، کمک می کنند، درست با تعهدات بین المللی مطابقت داشته، ایران خود در همه مجامع بین المللی اشتراک داشته است. برقراری صلح و ثبات در افغانستان، همچنان بنفع صلح و امنیت جهانی محسوب می گردد. بناءً همین جمله «ژورنالیست بی. بی. سی.»، که در متن ذکر شده است، دور از واقعیت های عینی بوده، حتی «احمقانه» است. که قابل بحث نیست.

ایران و پاکستان که حال باهم بخصوص پس از امضای «قرارداد» اعمار «لوله گاز؟» بیشتر از پیش تقرب نموده اند، از جمله پیش برندگان منطقوی رسوای «جنگ داخلی» ده ساله (۱۹۹۲م - ۲۰۰۱م) در افغانستان بوده اند، که در آنزمان در «رقابت سر سخته» علیه همدیگر عمل می نمودند. تفصیل درینجا نمی گنجد، اقلأ وقایع «غرب» کابل در سال های ۱۹۹۲م و بعد از آن در مناطق مرکزی و شمال افغانستان و هم در دوره اول حکومت «طالبان»، حوادثی را بیاد می آوریم.

دولت «ایران» در «حمایت» از «حزب وحدت» و «اتحاد شمال» و پاکستان، در عقب «طالبان»، تمام تلاش ها را بکار برده اند، تا افغانستان را در تحت تسلط خود در آورند، «مواضع» حاکم را از طریق نصب «مهره» های مزدور، طبق دلخواه، اشغال کنند. آنها درین راه «معاش خوران» معلوم الحال زیادی را جذب نموده اند، که حمایت آنها حتی «چوکی» های «ولسی جرگه» و «مشرانو جرگه» را اشغال نموده اند.

فقط بطور نمونه چند واقعه را که ناشی از سیاست «خصمانه» ایران علیه افغانستان شمرده می شود، بیاد می آوریم. در سال ۱۹۹۸م، پس از وقایع، این کشور عساکر خود را بسرحدات افغانستان متراکم ساخت که هدف صریح اشغال کشورما افغانستان را، در کله داشته است. چنانچه در نتیجه فعالیت های دیپلماتیک سازمان ملل متحد و همچنان خطر درگیری های منطقوی و بین المللی از آن جلوگیری بعمل آمد. در عکس ذیل «ابراهیمی» نماینده خاص سازمان ملل متحد، با «خاتمی» رئیس جمهور وقت ایران، روز یکشنبه ۱۲ اپریل ۱۹۹۸م دیده می شود، که در رابطه با اختلافات در افغانستان و اطراف آن سفر نموده است.



به تاریخ ۱۲ «سپتمبر» ۱۹۹۸م، در رابطه با «تیره» شدن مناسبات ایران با «طالبان»، «قوماندان» اردوی ایران، بنام «جنرال عبدالعلی پرشاسب» (General Abdol-Ali Purshasb)، اعلان می دارد که ۲۰۰۰۰۰ عسکر را به سرحدات افغانستان می فرستد و اگر لازم باشد، به عملیات علیه «طالبان» اقدام خواهند نمود. درین زمان البته به «مانورهای نظامی» در «زابل» قسمت شرق آنکشور اقدام نموده است. منابع امریکائی از ۴۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ یاد کرده اند.



مانور نظامی بزرگ بر اساس گزارش دوشنبه، ۲ «نومبر» ۱۹۹۸م، در سرحدات افغانستان خاتمه یافته است. مانور در زمان «میانگیری» سازمان ملل متحد بتعویق انداخته شد. ۲۰۰۰۰۰ عسکر از حمایت «تانک ها» و «قوای» هوای برخوردار بوده اند. ساحه تمرینات را ۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع در جنوب شرق آنکشور یاد نموده اند.



تمرینات را در ماه «سپتمبر»، بعد از خبر کشته شدن «دیپلمات های ایرانی توسط قوای طالبان افغانی، حین اشغال» مزار شریف، و رهائی این «شهر شمال افغانستان، از تحت تسلط قوای مخالف، تحت حمایت ایران»، اعلان داشته اند.

گزارشگر «بی. بی. سی»، «ولیم ریو» (William Reeve) خبر داده است، که «الاخضر ابراهیمی» (Lakhdar Brahimi) توانست، از بروز جنگ رویا روئی بین دو کشور، جلوگیری نماید. در همین گزارش همچنان خبر داده شده است که «طالبان»، حاضر شده اند، اکثریت «اسیران ایرانی» را که در افغانستان نگهداشته بودند، «آزاد» سازند و با مقامات ایرانی، به مذاکره مستقیم بنشینند. ایران تأکید می ورزیده است که، به «قاتلین اتباع آن» جزا داده شود و قطعنامه های سازمان ملل متحد بخاطر تشکیل حکومت بر «پایه وسیع» از جانب «طالبان»

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلېکنی د لیکنيزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ



مراعات گردد. «مشاهدان حقوق بشر» مستقر در «نیویارک»، بنابر همین گزارش از کشته شدن ۲۰۰۰ اتباع «ملکی» افغان در مزار شریف خبر داده است و خواهان تفتیش عاجل درین مورد شده است. «بی. بی. سی.» تصویر عساکر ایرانی را در نزدیکی سرحدات افغانستان نشان می دهد. همچنان خبر می رساند که «هیئت طالبان» جهت مذاکره با هیئت «ایرانی» وارد پایتخت پاکستان، اسلام آباد گردیده است. طالبان در آغاز، همکاری با «سازمان ملل متحد» را بحیث «میانجی» برای مذاکرات صلح، رد نموده بود. «ابراهیمی» قبلاً به قندهار نیز سفر کرده است. «کارمندان» سازمان ملل متحد، بعد از کشته شدن یک کارمند، سازمان ملل متحد، اجازه رفتن به کابل را نداشته اند.

در همین گزارش گفته شده است که «پاکستان» طالبان را به این دیدار بعد از سفر نماینده سازمان ملل متحد، «الاحضر ابراهیمی» به تهران «قانع» ساخته است. «الاحضر ابراهیمی» همچنان، با وزیر خارجه پاکستان «سرتاج عزیز» (Sartaj Aziz) دیدار داشته، است.

از زبان وزیر خارجه پاکستان گزارش شده است: «آقای عزیز راه را هموار نموده است، «تا تشنج میان ایران و افغانستان برطرف و صلح و ثبات در افغانستان برقرار گردد.»

با در نظر داشت این چند نقطه یاد شده، در خطاب به «جهادی های ریش تراشیده قدرتمند نو»، «جنگ سالاران» با چهره ها و سابقه های رنگارنگ دیرینه و هم چنان در خطاب به «طالب دیروز و امروز» و کارمندان «سود برنده» از دستگاه «فاسد اداری» رسوای دولتی و «معاشخوران» هوادار دول خارجی در دستگاه دولتی و «سیاسی» افغانستان، اظهار می گردد، تا ببینند که این دو قدرت «منطقوی» در تحت نام «اسلام»، چگونه در باره سرنوشت کشور افغانها، سهم گرفته و می گیرند.

هموطنان گرامی باید متوجه باشند، که «احمدی نژاد» و رهبری «ایران» بتمام معنی با دلایل حضور «نیرو های خارجی»، قبلاً واقف بوده اند. اگر از حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م، در لفظ فاصله گرفته اند، از عواقب آن به حد اعظمی در جهت تقویت مواضع آنکشور در منطقه و بخصوص در افغانستان و عراق، در مدت زمان بعدی، سود برده است. این کشور که در جمله کشور های کنفرانس «۶ + ۲» در باره افغانستان شامل بوده است، نه تنها از نفوذ قبلی آن بر «اتحاد شمال» تحت نفوذ قوی «شورای نظار» احمد شاه مسعود و «جمعیت اسلامی» (برهان الدین ربانی)، دستآورد داشته است («سپاسگذاری» عطا محمد نور، والی بلخ» از «کمکهای ایران» و «وفاداری»، «خر سوار» قبلی و «کادیلک سوار» امروز، «آقای محقق» و سائر «رهبران حزب وحدت» نصب شده در «حاکمیت» افغانستان، بمثابة «مشت نمونه خروار» قابل تذکراست)، بلکه همچنان به تشکیل گروپ خاصی، در کسب موقف در حاکمیت افغانستان بعد از کنفرانس «بین» در سال ۲۰۰۱م، نیز یاری رسانیده است.

این کشور که بعد از «سقوط» رژیم «رضا شاه» تحت رهبری آیت الله ها، در رأس «آیت الله خمینی»، از یک مشی به «ظاهر» ضد غربی و بخصوص «ضد امریکائی» و حتی «ضد یهودی»، بنابر وابستگی های قبلی دولت ایران و سیستم آن با غرب، در پس پرده برای تقویت مواضع اش در «شرق میانه» و جنوب غرب آسیا استفاده وسیع نموده است. در دهه هشتاد قرن «بیست» بطور مثال، از یکطرف «دشمنی با یهود» و «امریکا» را تبلیغ می نمود، از جانب دیگر در جنگ با «عراق»، بخاطر استفاده از سیستم «سلاح های» ساخت امریکائی زمان شاه، بکمک «موساد» حل مشکل می نمود. در آن جنگ «آخوند ها» توانستند، با قریب تمام «مخالفین» داخلی آنها، با استفاده از تأثیرات «شعار های» فریبنده ضد امریکائی، تصفیة حساب نمایند. در اشغال اخیر عراق و انکشافات بعدی درین منطقه، که رژیم «صدام» از سر راه «آخوند ها» برداشته شد، بحد اعظمی، بنفع «شیعنیزم» استفاده نموده، در پیوند نزدیک با «حزب الله» لبنان و تحکیم بیشتر آن همچنان در «عراق» و «خلیج»، بشمول نقش برجسته در وقایع «فعلی» در «سوریه» و «مصر» جهان «عرب» نیز بحیث، «عامل» صریح قد «بر افراشته» است.

حال ببینیم که در پس پرده ایران، از حضور «نیرو های خارجی» در افغانستان، چه امتیازاتی حاصل داشته است: «در راپور «شپینگل» از جلسه «ناتو»، در «گینت»، دو هفته بعد از آغاز «عملیات ایالات متحده امریکا و برتانیه»، قریب یک ماه قبل از تدویر کنفرانس «بین»، میخوانیم: «کشورهای اتحادیه اروپا می خواهند، کشور های

هم سرحد را با پیش کردن پول و دلایل ضرورت یک انکشاف وسیع دیموکراتیک در افغانستان، معتقد سازند. مقدم بر همه پاکستان. همچنان ایران می تواند با خلعت و امتیاز حساب کند. از کمیسیون اتحادیه اروپا، تقاضا بعمل آمد، تا الی ماه نومبر (۲۰۰۱م) طرح معامله و موافقتنامه همکاری را با تهران تهیه نماید. هندوستان هم باید با منفعت اقتصادی برای یک حل دائمی افغانستان تشویق گردد. دقیق به تاریخ ۲۳ نومبر، «اتحادیه اروپا» می خواهد، عرضه خود را به حکومت هندوستان در دهلی نو پیشکش نماید.»

خیلی ساده لوحانه خواهد بود اگر بپذیریم، که احمدی نژاد، در باره آمار «مصارف» قوای خارجی همه ساله و همچنان «بودجه» همه ساله دولت افغانستان، نمی دانسته است. در طی مدت «دوازده» سال، چنین «آمار» همه ساله در مطبوعات امریکا و جهان بتفصیل منتشر می شده است. قوای «خارجی»، از جانب دول خود آنها، «بودجه» دریافت می دارند. رهبران آن دول، خودها را، نیازمند گوش دادن به چرنیدیات و «فضل فروشی» های «احمدی نژاد» نمی دانند. دول آنها صلاحیت دارند، که با چه «بودجه»، «عملیات» نظامی کشورهای خود را انجام دهند. حال با این شیوه «احمدی نژاد» میخواهد، فقط اذهان مردم را مغشوش سازد. کشور «محاط به خشکه» و جنگ زده افغانستان را که، به تأمین و تضمین تمامیت ارضی و حاکمیت مستقل آن نیاز مبرم دارد، بحیث محل تبلیغ خود کار گیرد. این بی شرمی ها را تا زمانی انجام خواهد داد، که افرادی چون «عطا محمد ها»، «محقق ها»، «اکبری ها» و «پدرام ها» و غیره «مهره های ضد وحدت ملی» افغانستان را در اختیار داشته باشد. از مصارفات خارجی، همه «دوستانان احمدی نژاد» و حامیان دولت ایران در افغانستان، چون «اتحاد شمال»، متشکل از «جمعیت اسلامی»، «حزب وحدت»، «جنبش ملی اسلامی» و غیره متحدان سود اعظمی، برده و میبرند.

همه می دانیم که در زمان «کنفرانس بن» دولت ایران و «گلبدین حکمتیار» در رابطه با «قوای خارجی» موضعگیری واحد داشته اند. وقتی «گلبدین حکمتیار» با «حکومت کرزی» در زمان «اقامت» در ایران «ضدیت» نشان داد، به ظاهر امر، به ادامه اقامت او در ایران خاتمه بخشید، اما روابط محرمانه را با اعضای «حزب اسلامی» در دفتر «رئیس جمهور کرزی» حفظ نمود، که حتی تسلیمی «بکس های» دالر نقد «احمدی نژاد» را بیک پیرو حزب اسلامی («حکمتیار») در «دفتر» ریاست جمهوری افغانستان، بحیث عضو رابط، اعتماد می نموده اند.

حال احمدی نژاد، خود مستقیماً در روز های پایان دوره ریاست جمهوری اش، در جهت غافلگیر ساختن مردم عوام با متوصل شدن به «تبلیغ» ضد امریکائی و حضور قوای خارجی در افغانستان، می پردازد. به «ژست» اخیر او که در بالا ذکر شد، توجه نمائید. این همه «مانور ها» را در خود، بحمايت قوی «ایران پرستان» مسلح و غیر مسلح محافل «حاکم» و «حلقات و محافل سیاسی - فرهنگی» افغانستان می بیند، که از آنها بحیث آلات فشار و بعنوان مراکز و «مهره» های «خطر» تجزیه و «نابودی» افغانستان استفاده می نماید. روابط فعلی استخبارات «ایران» با «طالبان» امروز، نشر اخبار در باره «سپردن» اسلحه به «جانب طالبان»، بیشتر از هر وقت دیگر، مایه نگرانی و «خطر جدی» در برابر موجودیت افغانستان محسوب میگردد، بخصوص از آن «جهت»، طوریکه قبلاً تذکار یافته است، توافقات اخیر، اعمار «لوله انتقال گاز»، بین دو کشور، به ماهیت خطرناکتر، در برابر منافع افغانستان افزوده است.

پایان

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ